



۲۰۱۷/۱۱/۰۳

حنیف رهیاب رحیمی

خوش باوری، یکی از عوامل بدبختی

خوشباور به کسی اطلاق می‌گردد که اگر برایش گفته شود که گوشت را پشک برد، قبل از دست زدن به گوشش و اطمینان از بودن آن، عقب پشک می‌دود. یا به عبارت دیگر یک موضوع را به مجرد شنیدن و یا خواندن، بدون اینکه عقلش را بکار بیندازد، راست و درست می‌پندارند و به آن باور می‌کنند. در کشور ما مردم عمدتاً به دو دلیل خوشباور بار آمده‌اند:

اول اینکه شخص خوشباور به صداقت و راستگویی گوینده و یا نویسنده، اعتماد زیاد دارد و هر آنچه را که از او می‌شنود، دهنش باز می‌ماند و بدون چون و چرا و کنجکاو در مورد، آنرا درست می‌پندارد.

دوم اینکه شخص خوشباور در محیط و ماحولی بزرگ شده که دروغ و فریب و نیرنگ در آن آنقدر زیاد نبوده و شخص همانطور صاف و ساده بار آمده و همه چیز را که مردم می‌گویند راست می‌پندارد و باور می‌کند. اینگونه اشخاص را مردم عوام «ساده پتان» هم می‌گویند که نمی‌دانم این اصطلاح از کجا آمده؟

یک بررسی زندگی مردمان در ادوار گذشته موجودیت خوشباوری زیاده‌تر از اندازه یعنی ساده پتان‌ها را در بین اکثریت مردم در کشور ما نشان می‌دهد. چون اکثریت هموطنان ما در گذشته‌ها زندگی خیلی ساده و بدوی داشته‌اند، اکثراً دهات یک زن و مرد با یک گاو و یک خر و کمی زمین و دو سه رأس گوسفند، ملا، مسجد، پیتاو و امثالهم... اجتماعات انسانی کوچک و باهم نزدیک و مرتبط بوده و به این ترتیب، در ماحول آرام به دنیا آمده و در مناسبات روزمره زندگی بدون جنجال و ساده‌ای را سپری کرده‌اند.

این تنها نبوده در این میان یک تعداد اشخاص چالاک، استفاده‌جو، خاین و شریر مشهور به چارصدوبیست (باز هم نمی‌دانم این اصطلاح از کجا نشئت نموده)، که صرف منافع شخصی و فامیلی خودشان نزدشان اولویت داشته، در هر عصر و زمان موجود بوده و از سادگی و خوشباوری دیگران، استفاده‌های بزرگی به نفعشان نموده‌اند.

یک موضوع دیگر که در موجودیت و دوام خوشباوری در میان مردم رول داشته، سطح پایین سواد و تعلیم بوده چون زمینه‌های کسب علم و تحصیل فراهم نبوده، مردم بجای اینکه به تعلیم و کسب دانش بپردازند، آنچه را که پدران‌شان انجام داده و در بین مردم به عرف و رسم و رواج مبدل شده پیروی کرده‌اند و اگر مسأله مغلق و پیچیده‌تری در

به اهتمام ولی احمد نوری

زندگی روزمره رونما شده، به ملای منطقه که شک کردن در علمیت او گناه پنداشته می شود، و یا ملک و ریش سفید محل مراجعه صورت گرفته، که در نهایت فیصله و حکم آن ها منحیث تصمیم نهایی و حلال مسأله و مشکل به میان آمده بدون چون و چرا قبول گردیده است.

خوشباوری هم در گذشته ها و هم در حال حاضر، هم در زندگی شخصی و انفرادی و هم در سطح ملی خسارات هنگفت و زخمهای التیام ناپذیری را بر میهن و مردم ما وارد آورده. بخصوص دشمنان میهن از این خصوصیت اکثریت توده ها استفاده ناجایز نموده، پلانهای شوم و مغرضانه شانرا به آسانی و سادگی به منصفه عمل پیاده نموده اند.

تاریخ کشور گواه حوادث بیشماری درین باره است و مثال های خیلی زیاد می توان در مورد ارائه کرد که به عنوان بارزترین نمونه آن می توان از فریب خوردن مردم در زمان شاه امان الله خان نام برد که در نتیجه مداخله مستقیم و غیر مستقیم انگلیس و استعمال یک عده ملاهای بی هویت و با هویت، مردم به احتجاج برخاستند و آن شاه مترقی را که یگانه هدفش تعمیم علم و تکنالوژی و پیشرفت و نجات کشور از فقر و بدبختی بود، به شکست و در نهایت به ترک کشور مجبور ساختند.

از آن روزها تا عصر حاضر هرچند از لحاظ زمانی کمی کمتر از صد سال می گذرد و این یک زمان طولانیست برای بیداری و هشیاری مردم تا خصلت های منفی و عوامل بدبختی شانرا شناسایی و ترک نموده، خود را با کاروان تمدن و پیشرفت همگام و همنوا و از عقبماندگی رهایی بخشند اما با کمال تأسف دیده می شود که این عامل عمده بدبختی و عقبمانی کشور ما یعنی خوشباوری، هنوز هم در فرهنگ و طرز تفکر اکثریت مردم موجود است و باعث شده که تا بازم مردم به آسانی آله دست دشمنان قرار گیرند و فریب پروپاگند های شانرا بخورند. امروز هم عدم سواد کافی و کمبود علم باعث شده تا مردم ما در سایه عادات خوشباوری شان زندگی نمایند و در تمیز خوبی از بدی، خیر از شر و فایده و نقصان شان دچار سر درگمی و اشتباه باشند.

در اوضاع فعلی که میهن از چهار طرف مورد تجاوز قرار دارد، دشمنان تاریخی از هر طرف برای تسلط اقتصادی و سیاسی و سقوط کشور مصروف طرح و تطبیق برنامه های شان هستند که هم به طور مستقیم و هم بوسیله اجنت ها و گماشتگان شان طور غیر مستقیم فعالیت می کنند، تا نگذارند که افغانستان در مسیر پیشرفت و ترقی برابر گردد.

اگر افغانها فریب تبلیغات و نفاق افگنی های دشمنان را نخورند، در مورد منافع ملی و میهنی شان با تعمق و تفکر عمل نموده و آنچه را که به خیر ملت و میهن است، در عادات و در صدر اهداف روزمره خویش شامل سازند، این کشور با داشتن منابع و ذخایر غیر قابل باور طبیعی به یکی از غنی ترین کشور های جهان مبدل خواهد گشت و مردم بجای گدایی و دست نگری به همسایه های مغرض و فاسد، در رفاه و آسایش زندگی خواهند نمود.

یکی از نمونه های تبلیغات زهر آگین دشمنان که می توان از آن نام برد در شبکه اجتماعی فیسبوک صورت می گیرد بخاطری که این شبکه منحیث ارتباط دهنده میلیونها انسان در پنج قاره دنیا، اخبار و گزارشات را در یک دقیقه در سرتاسر دنیا پخش و پراکنده می سازد و تقریباً در دسترس هر بنده خدا قرار دارد. مردمان کشور های پیشرفته طور شاید و باید از آن استفاده می نمایند: انتقال معلومات و اطلاعات، اعلانات تجارتي، خبرگیری از همدیگر و... ولی

در جوامع عقبمانده و آسیب پذیر چون افغانستان، فیسبوک بهترین وسیله ایست در دست دشمن تا بازهم از اسلحه و روش قدیم کار گرفته و با استفاده از خوشبآوری مردم، پُست ها، داستان های ساختگی، تصاویر جعلی و دستکاری شده، خبرها و گزارشات دروغ و دور از حقیقت را ترتیب و در صفحات شان نشر نمایند و بدین ترتیب با گمراه ساختن دیگران نتایج مطلوب را به منفعت و مفاد شان بدست آرند.

قرار معلومات منابع مؤثق استخباراتی، در حال حاضر بیش از ۸ هزار صفحه فیسبوک بنام های گوناگون از طرف مؤسسات و انجمن های مختلف و اشخاص انفرادی ساخته شده، درحالیکه هیچ کس از هویت اصلی آنها خبر ندارد، آنها دیگر کاربران را باخود دوست می سازند و به این ترتیب پُست ها، نوشته ها و کامنت های شان را که همه بخاطر ایجاد و دامن زدن تفرقه های لسانی، قومی، مذهبی و غیره ترتیب و به نشر می رسد، به خورد مردم می دهند و هیچ تردیدی وجود ندارد که اکثریت مردم خوشبآور آنرا راست و حقیقی پنداشته و تحت تاثیر آن قرار می گیرند.

هموطن عزیز! بیایید که سر از امروز این عادت خوشبآوری و ساده اندیشی را کنار بگذاریم. بیایید با خود عهد نماییم که منبعد آنچه را باور کنیم که پایه علمی و منطقی داشته، به گوش خود شنیده یا به چشم خود دیده ایم. بدون بکار بردن منطق و عقل خود به گفتار و نوشتار هیچ کس دیگر به سادگی باور نکنیم و طوری فکر کنیم که:

هر آن نوشته، تصویر، خبر و موضوعی که مطابق به منافع ملی و به سود مردم و کشور ماست مورد قبول ماست و بقیه نه کدام درد ملت و مردم ما را مداوا می کند و نه به آن ضرورتی وجود دارد. والسلام.

